

یادی نیک از خسرو شاکری

✘ فرهنگ قاسمی

خسرو شاکری زند نویسنده مصدقی، سوسیالیست، مورخ کوشا، فعال سیاسی، اندیشمند مسائل سیاسی و اجتماعی ایران، محقق در امور جنبش‌های سوسیال دموکراسی در تاریخ ایران...

از بنیان‌گذاران کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، از بنیان‌گذاران جامعه دفاع از حقوق بشر بعد از انقلاب، کسی که در جهت ایجاد همبستگی بین نیروهای ملی و مترقی و غیروابسته به قدرت‌های خارجی و رژیم حاکم بر ایران برای براندازی جمهوری اسلامی به اتفاق بسیاری از کوشندگان و طرفداران آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی بعد از انقلاب بسیار کوشش کرد، او در نخستین روزهای ماه ژوئیه ۲۰۱۵ چشم از جهان فرو بست و به ابدیت پیوست..

کسانی که مانند او در طول عمرشان این امکان را پیدا کردند تا بخش بزرگی از زندگی خود را در راه کمک به انسانیت و آرمان‌های عالی بشریت برای رهاسازی انسان‌ها از چنگ استبداد و ظلم و بی‌عدالتی، با فعالیت‌های مستقیم خود برای عملی ساختن این آرمان‌ها، با حضور شخصی در محافل و تظاهرات اجتماعی و همینطور با دست زدن به تحقیقات علمی و نگارش رساله‌ها و کتاب‌ها و مقالات، اختصاص دهند، و در عین حال استقلال خود را حفظ کنند هرگز از خاطره تاریخ پاک نخواهد شد. آثار علمی و عملی آنان و یادشان همواره در کوچه باغ‌های تحقیقات اجتماعی و سیاسی و تاریخی ایران به جای خواهد ماند تا پژوهشگران و کنشگران در راه که به دنبال یافتن واقعیت‌های جامعه ایران هستند آن‌ها را ملاقات کرده و از آثار و اقداماتشان برای مردم و میهن عزیزمان استفاده نمایند.

تا جایی که من او را شناختم هم مرد اندیشه و پژوهش و اظهار نظر بود و هم مرد میدان و عمل. در هر شرایطی که مردم ایران و کوشندگان سیاسی و باورمندان به آزادی و استقلال و دموکراسی به او نیاز داشتند علیرغم ملاحظات می‌توانست او را از پاپیش گذاردن معاف کند حاضر بود و قبول زحمت می‌کرد. من بارها شاهد این خصلت تساهل‌گرایانه او بودم. باز من شاهد بودم ...

که اگر می‌خواست به راحتی می‌توانست مانند بسیاری دیگر در جمع

گروه‌هایی از اپوزیسیون قرار بگیرد که وسواس عدم وابستگی به قدرتهای دیگر را نداشتند و دست به کارهایی زدند که در نهایت به نفع مردم ایران تمام نشد اما او هرگز چنین نا عهدی را نپذیرفت و بر پیمان‌هایش به مصدق و مردم ایران پابرجا ماند و این خصلت مصدقی بودن او را نشان می‌دهد...

به نظرم خسرو شاکری از جمله کسانی است که مرگ بر او چیره نمی‌شود برعکس می‌توان گفت او مرگ را از پای در آورد.